**نقد کتاب: بی نظمی در تنظیم**

**عبابافها، محمد**

هنر عکاسی اگرچه از پیشینه چندان دراز و طولانی برخوردار نیست و سابقه آن‏ بطور کلی از قرن 19 م.فراتر نمی‏رود اما به واسطه روابط گسترده ایران و مغرب‏زمین‏ در آن هنگام از جملهء اولین فنونی است که وارد ایران شده و به سرعت همه‏گیر می‏شود.

مناظر و مزایای طبیعی،آثار و بناهای باستانی و چهره‏های سیاسی و اشرافی و جریانات تاریخی،اولین نگاههای دوربین عکاسی به زندگی و جریان آن در این سرزمین‏ است.

این تصاویر ضبط شده از جریان زندگی درگذشته-که اینک به منزله برگهای تاریخ‏ ما به‏شمار می‏آیند-وظیفه حفظ و نگاهداری و معرفی آنها را به عنوان میراث فرهنگی‏ جامعه‏مان ایجاب می‏نماید؛مهمی که بر عهده مورخان تیزبین و محققان سخت‏کوش است‏ که از ظرافتها و صناعتهای کار آگاهی لازم را داشته و دقت نظر و صحت عمل را تواما دارند و این همان شرایطی است که در تالیف عکسهای قدیمی ایران دیده نمی‏شوند.

کتاب عکسهای قدیمی ایران‏"رجال،مناظر،بناها و محیط اجتماعی‏"تالیف آقای‏ قاسم صافی در 524 صفحه از سوی انتشارات دانشگاه تهران در 1368 ش.منتشر شده‏ است.

مولف محترم در پیشگفتار در توضیح منابع کار و روش استفاده از کتاب می‏نویسند: "این مجموعه شامل هزار و دویست عکس از رجال سیاست و مذهب و هنر و ادب و تصاویر اماکن و مناظر و مساجد و زیارتگاهها و عمارتهای قدیم و مراسم مختلف شکار و جشن و سرور و شرف‏یابی و سوارکاری و تیراندازی و آئین عزاداری و...موضوعات‏ دیگر"1است اما"ترتیب تنظیم مشخصات عکسها در این مجموعه برابر شماره عکسها از 1 تا 1300 است!"2

با توجه به اینکه در آغاز کتاب به اصطلاح غلطنامه‏ای آورده شده و احتمال اشتباه‏ چاپی در این مورد نمی‏رود این سوال پیش می‏آید که صد تصویر دیگر که در فهرست‏ کتاب آمده از چه منبعی است؟مولف در این باره توضیحی نمی‏دهد.

در ادامه مطلب احوال حشمت الممالک یکی از عکاسان مجموعه مذکور آورده شده و شرح حال دیگر عکاسان مجموعه به منابع دیگر احاله می‏گردد.بسیار مناسب و بجا بود که مولف در این قسمت به شرح حال مختصر تمامی عکاسان مجموعه می‏پرداخت تا شناخت تاریخی خواننده در این رابطه تکمیل گردد و یا حد اقل نام‏"منابع دیگر"که به‏ این شرح حال پرداخته‏اند ذکر می‏شد.

در مبحث دیگر پیشگفتار،مولف روش استفاده از عکسها را چنین توضیح می‏دهد:

"ترتیب تنظیم مشخصات عکسها در این مجموعه برابر شماره عکسها از 1 تا 1300 است‏ و طریق دست‏یابی دقیق و فوری به مشخصات عکسها از طریق نمایه‏ها ممکن است‏"3 فهرستها شامل دو قسمت است:فهرست عکسها و فهرست راهنما شامل:الف،نام کسان ب، نام جاهای ج،عنوان موضوعات.و اینهمه حدود 160 صفحه از حجم کتاب را اشغال‏ کرده است اما بسیار جای تعجب است که تمام آن فهارس هیچ گرهی از کار محقق‏ نمی‏گشاید زیرا در فهرستها تنها شماره عکس قید شده(بدون قید صفحه مربوط به آن)و در بخش تصاویر،عکسها بی‏هیچگونه ترتیب منطقی-اعم از شماره‏ای و یا موضوعی- در کنار هم قرار گرفته‏اند.در این بخش،عکس شماره 909 در کنار عکس شماره 116 ص‏ 281 و 280 و تصویری از منظره طبیعت لشکرک در کنار عکس تشییع جنازهء محمد علی شاه‏ در بندر ساونا در ایتالیا باهم دیده می‏شوند.ص 177 و 176

آشفتگی در تدوین فهرستها و تنظیم عکسها به همین جا محدود نمی‏شود آنچنان‏که‏ عکس شماره 20 هم تصویر آغا محمد خان قاجار است ص 494 هم سر در الماسیه(ورودی‏ (1)-عکسهای قدیمی ایران،ص 2

(2)-همان،ص 5

(3)-همان،ص 5

کاخهای سلطنتی دوران ناصر الدین شاه)ص 10 و هم میدان ارگ قدیم ص 274!با این‏ صورت جای شگفتی نیست که با عکس شماره 8511 ص 290 نیز در این مجموعه 1300 شماره‏ای برخورد نمائیم.تکرار عکسها هم پدیده‏ای مکرر است مثلا عکس شماره 237 در ص 412 و 407 و...

عدم وضوح شماره عکسها در بعضی از موارد مانند ص 219 و 286 و ص 477(پائین)و ...از دیگر مواردیست که بر مشکلات استفاده از کتاب می‏افزاید.اما اینها تنها پاره‏ای‏ از معضلات کتاب است که بعضا حل آن با سعی و کوشش علاقمندان مقدور است.ایرادات‏ اساسی بر روش کار مولف وارد است.مولف محترم در ابتدا کتاب را مجموعه‏ای از 1200 عکس معرفی می‏کند سپس به فهرست 1300 عکس می‏پردازد و در جای دیگر از گزینش عکسها از مجموعه مذکور"به لحاظ اولویت و اهمیت‏"سخن به میان می‏آورد.

این تناقض‏گویی خواننده کتاب را با سردرگمی مواجه می‏کند و ابهام در اولویت و اهمیت‏ عکسها به عنوان معیاری برای گزینش آن موجب تزاید آن می‏گردد مضاف بر اینها عدم‏ انطباق توضیحات تصاویر در فهرستها با عکسها در بخش دوم کتاب است که علاقمندان‏ و محققان را در مفید بودن کتاب به تردید می‏اندازد به عنوان مثال:تصویر شماره 168 در ص 508 کتاب محتوی دو چهره است اما در فهرست از سه چهره در این عکس سخن‏ گفته می‏شود!ص 28 از نکات دیگری که ذکر آن ضروری به نظر می‏رسد نقصان توضیحات‏ فهارس در معرفی عکسها است این کوتاهی گاه تا بدانجا کشیده می‏شود که در معرفی‏ عکس حتی از ذکر نام شخص و یا بنا خودداری می‏گردد و صرفا به آوردن القاب-که‏ در تاریخ قاجاریه چندان چیزی را روشن نمی‏کند-و یا عبارتی کلی اکتفا می‏شود(مانند: موید الممالک عکس شماره 669 و بقایای یک مسجد قدیمی عکس شماره 44).نکته دیگر آنکه اگرچه اسامی غالب عکاسان در پشت عکسها چاپ شده(آنچنان‏که مولف می‏گوید)و این از نظر"مطالعات هنری و تاریخ عکاسی‏"ارزش فراوان دارد اما از ضبط این اسامی‏ در ذیل عکسها اثری نیست.

در خاتمه باید گفت هرچند کتاب عکسهای قدیمی ایران با ارائه جنگی از خبط و اشتباه و پریشانی و آشفتگی به جای مجموعه‏ای منظم و استوار از تصاویر اصیل تاریخی و هنری-محققان را ناامید و علاقمندان را ناراضی و ملامت‏زده می‏سازد اما ضرورت‏ تدوین کلیه عکسهای تاریخی و فرهنگی کشور در مجموعه‏ای مناسب و درخور،زیر نظر محققان کارآمد و مسئول را همچنان باقی می‏گذارد!